

ترجمه از: پرویز تابشیان اصفهانی  
وکیل پایه یک دادگستری

## مقایسه آماری از وکلای دادگستری بین دو کشور آلمان فدرال و ایالات متحده آمریکا

ترجمه و تلخیص از نشریه وکلای دادگستری آلمان مربوط به اتحادیه وکلای آلمان شماره جولای ۲۰۰۰ تحت عنوان ساختار وکالت در آلمان و در ایالات متحده آمریکا تحقیق آقای دکتر بنوهیسن وکیل دادگستری و توماس گریبل کارآموز وکالت. اطلاعات ما راجع به وضعیت وکالت در آمریکا بسیار کم بود تا این که در اثر آماری که کانون وکلای آلمان در چند سال اخیر در خصوص درآمدها و هزینه‌ها و پرداختها و امثال آن منتشر نمود برای ما دانسته‌های بیشتری در این زمینه فراهم گردیده است. در این تحقیق وضعیت وکالت در آلمان و در ایالات متحده آمریکا به رغم تفاوت‌های اجتماعی و حقوقی بین آنها، از نظر حرکت اقتصادی که مستقیماً مؤثر در بازار وکالت است، بررسی شده است.

### ۱- مقایسه تعداد وکلای آلمان و آمریکا

تعداد وکلای آمریکا به نسبت نفوس دو برابر تعداد به همان نسبت در آلمان می‌باشد. در هر دو کشور، وکلایی که در دفاتر بزرگ فعال هستند درصد کمی از کارهای وکالتی را به خود اختصاص می‌دهند (این دفاتر مورد نظر هر یک در آمریکا بیش از ۱۵۰ وکیل و در آلمان بیش از ۲۰ وکیل عضو دارند) درصد این گونه دفاتر نسبت به کل دفاتر وکلای در هر دو کشور کمتر از ۵٪ می‌باشد ولی با این همه درآمد سرانه وکالت تحت

سلط وکلای منفرد و «سوسیته‌های» کوچک است و با این همه می‌توان گفت که بازار سوسیته‌های بسیار بزرگ با موکلین سایر وکلا یا مؤسسات تلاقی عمده‌ای ندارند.

## ۲- روش تحقیق

این تحقیق از طریق مراجعه به اینترنت و آمار رسمی انجام شده و آدرسهای مورد استفاده به شرح زیر هستند:

برای دریافت اطلاعات داخلی در آلمان و اطلاعات خارجی می‌توان از «هوم پیج» Home Page مربوط به اداره آمار آلمان فدرال به نشانی WWW. Statistik-bund.de استفاده کرد. در ایالات متحده می‌توان به (WWW.Census.gov) و (WWW.abanet.org) و (WWW.abf-sociolegal.org) رجوع کرد.

گاهی اوقات اعداد و ارقام به طور خام قابل مقایسه نیستند مثلاً در آلمان دفاتر بزرگ شامل حسابرسان نیز می‌شوند در صورتی که در آمریکا ایجاد سوسیته بین وکلا و حسابرسان قانوناً ممکن نیست.

## ۳- تعداد کل وکلای دادگستری

طبق آمار منتشره سال ۱۹۹۷ تعداد وکلای دادگستری آمریکا ۸۸۵۰۰۰ نفر بود که در سال ۱۹۹۸ به تعداد ۱۰۰۰۴۴۰ نفر بالغ شد. با در نظر گرفتن آهنگ رشد مزبور می‌توان تخمین زد که در سال ۲۰۰۰ رقم مزبور به تعداد ۱۱۱۵۰۰۰ نفر برسد<sup>\*</sup>، البته باید در نظر داشت که مفهوم وکیل در آمریکا و آلمان کاملاً برابر نیست و این ارقام شامل وکلا و حقوقدانان شاغل در ادارات و (inhouse counsel) نیز می‌شود.

در آلمان آمار وکلا شامل دادستانها و دادیاران و سایر وکلای دولتی نمی‌شود. البته هرگاه در سیستم آمریکا واژه «وکلا با فعالیت آزاد» را در نظر داشته باشیم انطباق آن را با واژه وکیل در آلمان می‌توان تصور کرد.

اگر در نظر بگیریم که ۷۴٪ وکلا در آمریکا فعالیت آزاد دارند بنابراین به رقم

\* - لازم به توضیح است که آمار مربوط به سال ۲۰۰۰ تخمینی و با توجه به روند رشد تعداد وکلا تهیه شده است. (م)

۸۲۵۰۰۰ نفر وکیل در سال ۲۰۰۰ خواهیم رسید.

در مقابل آن در تمام آلمان فدرال در سال ۱۹۹۸ تعداد ۹۱۵۱۷ نفر وکیل و در سال ۱۹۹۹ تعداد ۹۷۷۹۱ نفر وکیل به کار وکالت اشتغال داشته‌اند و اگر به این سیاق پیش برویم به رقم حدوداً ۱۰۶۰۰۰ نفر وکیل شاغل در سال ۲۰۰۰ می‌رسیم.

#### ۴- تعداد وکلا به نسبت نفوس کشور

در سال ۲۰۰۰ در آلمان ۱۰۴۰۰۰ نفر وکیل و در آمریکا ۸۲۵۰۰۰ نفر وکیل با فعالیت آزاد در مقابل هم قرار دارند. بهترین شیوه برای مقایسه وضعیت وکلا در دو کشور یاد شده تناسب آن ارقام با تعداد نفوس هر یک از دو کشور است که طبق جدول زیر به نظر می‌رسد:

#### آمار سال ۲۰۰۰

کشور	نفوس	تعداد وکلای دادگستری	تعداد نفوس به نسبت وکلا
ایالات متحده آمریکا	۲۷۴ میلیون نفر	۸۲۵۰۰۰ نفر	۳۳۲
آلمان فدرال	۸۲ میلیون نفر	۱۰۴۰۰۰ نفر	۷۸۸

در حالی که برای هر ۳۳۲ نفر شهروند ساکن آمریکا یک وکیل وجود دارد در آلمان به هر ۷۸۸ نفر یک وکیل می‌رسد.

جدول مقایسه‌ای سال ۱۹۹۰، ما را به نتیجه جالبی می‌رساند:

#### آمار سال ۱۹۹۰

کشور	نفوس	تعداد وکلای دادگستری	تعداد نفوس به نسبت وکلا
ایالات متحده آمریکا	۲۵۲ میلیون نفر	۵۸۷۳۰۰ نفر	۴۳۰
آلمان فدرال	۶۶/۲ میلیون نفر	۷۵۹۰۰ نفر	۸۸۲

هم در ایالات متحده آمریکا و هم در آلمان جمعیت وکلای دادگستری رو به افزایش بوده است. در حالی که نسبت وکلا در آمریکا نسبت به سکنه آن کشور ۲/۰۵ برابر همان نسبت در آلمان بوده این نسبت تا سال ۲۰۰۰ به ۲/۳۷ برابر افزایش یافته است. اگر نسبت آن را به صد بیان کنیم ارقام زیر به دست می آید در حالی که در ایالات متحده در سال ۱۹۹۰ تعداد جمعیت نسبت به تعداد وکلا ۲۲/۸٪ (یعنی از ۳۴۰ به ۳۳۲) و در آلمان فقط ۱۰/۷٪ (یعنی از ۸۸۲ به ۷۸۸ شهروند در مقابل یک وکیل) تنزل پیدا کرده است.

به عبارت دیگر نرخ رشد جمعیت وکلا در آمریکا با شدت دو برابر نسبت به جمعیت وکلای آلمان افزایش یافته است. البته در این مقایسه باید یکی شدن آلمان غربی با شرقی را نیز در نظر گرفت.

#### ۵. تعداد وکلای دادگستری با توجه به بزرگی دفاترهای وکالت

آمار زیر که نشان دهنده تعداد وکلای متفرد و وکلایی است که در دفاتر کوچک و بزرگ وکالت فعالیت دارند مربوط به سال ۱۹۹۵ می باشد:

تعداد وکلا	درصد	تعداد دفاتر	درصد
۲۹۷۷۲۴ نفر	۴۶/۹	-	-
۹۵۲۶۳ نفر	۱۵	۳۳۴۵۴	۷۵/۵
۹۰۲۱۸ نفر	۱۴/۲	۸/۷۵۱	۱۹/۸
۱۵۱۲۷۰ نفر	۲۳/۸	۲/۰۹۹	۴/۷
۶۳۴۴۷۵ نفر	۱۰۰	۴۴۳۰۴	۱۰۰

اگر که این روند ادامه یابد با توجه به تعداد وکلای دارای فعالیت آزاد در ایالات متحده آمریکا که در سال ۲۰۰۰ تعدادشان را ۸۲۵۰۰۰ نفر تخمین زده اند با توجه به نحوه تقسیم آنها در دفاتر مختلف از نظر بزرگی و کوچکی به جدول زیر می رسیم:

بزرگی دفتر	تعداد وکلای آمریکایی در سال ۲۰۰۰	درصد
وکلا منفرد	۳۸۷۱۲۷ نفر	۴۶/۹
۵-۲ وکیل	۱۲۳۸۶۹ نفر	۱۵
۲۰-۶ وکیل	۱۱۷۳۰۹ نفر	۱۴/۲
۲۱ و بیشتر از ۲۱ وکیل	۱۹۶۶۹۵ نفر	۲۳/۸
جمع کل	۸۲۵۰۰۰ نفر	۱۰۰

در سال ۱۹۹۵ در ایالات متحده آمریکا ۴۶/۹٪ وکلا به صورت منفرد فعال بوده‌اند در صورتی که ۵۳/۱٪ وکلا در دفاتر جمعی وکلا فعالیت می‌کرده‌اند. از سال ۱۹۹۵ روند به این صورت بود که نسبت وکلای فعال در دفترهای تک نفره به ۴۰٪ و نسبت وکلای شاغل در دفاتر دسته جمعی به ۶۰٪ رسیده است.

و اما در آلمان:

در سال ۱۹۹۱ تعداد ۲۳۳۰۹ نفر وکیل در دفاتر جمعی فعال بوده‌اند و تعداد کل وکلا در آن تاریخ بالغ بر ۵۹۴۵۵ نفر بوده است. بنابراین ۶۰/۸٪ وکلا به صورت منفرد و ۳۹/۲٪ از آنان در دفاتر جمعی اشتغال داشته‌اند.

ارقام مربوط به وکلایی که به صورت فردی فعال هستند شامل وکلای مشاور شرکتها (که حق وکالت برای شرکت ندارند و فقط در مقابل حقوق معین به شرکت مزبور مشاوره می‌دهند) و وکلایی که فقط پروانه خود را حفظ کرده‌اند و به کارهای دیگر اشتغال دارند و یا فقط حق بازنشستگی و بیمه خود را می‌پردازند نیز می‌شود که تعداد آنها را می‌توان حدود ۲۰٪ از کل جمعیت وکلای منفرد تخمین زد.

متأسفانه در آلمان آمار رسمی که ما را مستقیماً برای مقایسه سال ۱۹۹۱ با سال‌های اخیر یاری بدهد وجود ندارد. محققین این مقاله از کتاب دکتر اوتو اشمیدت که یک کتاب آدرس وکلاست استفاده کرده‌اند. وقتی که از فورم «سوسیته» صحبت می‌شود چه در

ایالات متحده آمریکا و چه در آلمان باید به تمام اشکال آن توجه شود و آن شامل تمام اشکالی است که عملاً برای فعالیت شغلی دسته‌جمعی در قالب یک سوسیته یا شرکت وجود دارد. بنابه اطلاعات کتاب دکتر اوتو اشمیدت در حال حاضر در آلمان:

منطقه‌ای	سوسیته	۱۴۰۰۰
فرامنطقه‌ای	سوسیته	۱۴۰۰
منطقه‌ای	شرکت وکالت	۵۵۰
فرامنطقه‌ای	شرکت وکالت	۱۳۰

و جمعاً ۱۶۰۸۰ سوسیته و شرکت وکالت وجود دارند. این آمار شامل فقط سوسیته‌های واقعی نمی‌شود بلکه حاوی هرگونه شکل همکاری می‌باشد و شامل اشتراک در دفتر وکالت نیز می‌شود. در وهله بعدی ۲۰۰ سوسیته را که فقط در موارد بسیار کمی کارشان با کار وکلا تلافی پیدا می‌کند (مثلاً در زمینه حقوق علایم و محاکمات مربوط به ثبت علایم و اختراعات) از آمار مزبور کسر می‌شوند.

#### ۶- ساختار سوسیته‌ها

ساختار سوسیته‌ها در آلمان هنوز به خوبی مورد تحقیق قرار نگرفته است. مشکل اساسی ما در این مسأله بود که فقط تعداد وکلا خط فاصل و وجه تفاوت خواهد بود (مانند آنچه آمارهای ایالات متحده نشان می‌دهند) یا این که تفاوت در فعالیت‌های شغلی وکلا ملاک تعیین کننده خواهد بود. در کنار ماهیت فعالیت‌های وکلا می‌توان سه محدوده کاری را تعیین کننده عنوان کرد:

۱- دانش فنی (ادامه تحصیلات، تخصص و غیره)

۲- به دست آوردن کار (تلاش برای یافتن موکلین جدید)

۳- تشکیلات (تأسیس و جریان تشکیلات با تمام جزییات و مسایلش)

هر چند که محتوای فعالیت یک وکیل منفرد با کار یک وکیل در یک دفتر بزرگ تفاوت چندانی ندارد، ولی سه عامل بالا در صورتی که بزرگی دفتر حقوقی از یک حد فراتر برود تغییرات فاحشی خواهند کرد. بخصوص در روش فعالیت دفتر وکالت تغییر بسیار شدید خواهد بود. یک وکیل منفرد خود هر طور که بخواهد روش فعالیت خود را تعیین

می‌کند ولی در یک دفتر بزرگ یک همکار ارشد دفتر هم احتمالاً نمی‌تواند آن را تحت تأثیر قرار بدهد.

این برآوردها ما را به این نتیجه می‌رسانند که تعداد وکلای یک دفتر در درجه اول ساختار یک دفتر حقوقی را تعیین می‌کند زیرا که این امر مشخص‌کننده فعالیت‌های حرفه‌ای و از طرف دیگر روش فعالیت به صورت یک واحد اقتصادی است. تقسیم‌بندی طبق این شرایط بسیار مفید به نظر می‌رسد و تقسیم‌بندی‌های زیر را نتیجه می‌دهد:

**دفاتر بزرگ:** دفتر حقوقی جمعی بین دفاتر با جمعیت بین ۲۰ تا ۳۵۰ وکیل دادگستری. در آلمان این گونه دفاتر حدود ۵۰ دفتر تخمین زده می‌شوند.

**دفاتر متوسط:** شامل تعداد بین ۴ تا ۲۰ وکیل. در اینجا، ما از دفاتر جمعی معمولی به سوسئته‌های فرامنطقه‌ای و شرکتهای وکالتی<sup>۳</sup> می‌رسیم، یک دفتر با وکلایی کمتر از ۴ نفر به ندرت به طور فرامنطقه‌ای فعال می‌شود یا اینکه دست به تشکیل شرکت وکالتی می‌زند و از این گذشته در چنین مواردی بیشتر تفکر شرکتی حاکم است و تعداد دفاتر متوسط رقم ۲۰۰۰ را تشکیل می‌دهد.

**دفاتر کوچک:** دربرگیرنده ۲ تا ۳ وکیل، بیشترین تعداد دفاتر را تشکیل می‌دهند (۱۵۰۸۰ منهای ۲۰۰۰ که برابر است با تعداد دفاتر متوسط).

از آنجایی که دانستن تعداد دفاتر مزبور جالب است پی بردن به تعداد وکلای شاغل در آنها نیز از اهمیت برخوردار است.

با توجه به تعداد کل وکلا یعنی ۱۰۴۰۰۰ نفر و این که تعداد ۴۵۰۰ نفر از آنها در ۵۰ سوسئته بزرگ اشتغال به کار دارند سپس به تعداد وکلای شاغل در دفاتر متوسط و کوچک و در نهایت می‌توان به تعداد وکلای با فعالیت انفرادی نیز دست یافت.

\* - در آلمان از مدتها قبل وکلا می‌توانسته‌اند شرکت وکالتی با مسؤلیت محدود تأسیس کنند و اخیراً نیز دادگاه عالی تأسیس شرکت سهامی را بلا مانع تشخیص داده است.

## وکلا دادگستری آلمان

نوع دفاتر	دفاتر	وکلا
سوسیته‌های با ۲۰ تا ۳۵۰ وکیل	۵۰	۴۵۰۰
سوسیته‌های با ۴ تا ۲۰ وکیل	۲۰۰۰	۱۲۰۰۰
سوسیته‌های با ۲ تا ۳ وکیل	۱۴۰۰۰	۳۳۵۰۰
وکلائی منفرد	۵۶۰۰۰	۵۶۰۰۰
از این تعداد، وکلای سندیکایی	۸۰۰۰	
		۱۰۴۰۰۰

در این ارقام می‌توان یک گرایش از فعالیت در دفاتر فردی به سوی دفاتر کوچک و سپس متوسط و بزرگ را دید. حتی دفاتر بزرگتر می‌توانند رشد کنند. روند گسترش هنگامی استنباط می‌شود که رقم ۶۰/۸٪ وکلای منفرد را با تقسیم‌بندی امروز مقایسه بکنیم. با توجه به تعداد وکلای شاغل امروز حدود ۱۰۴۰۰۰ نفر تعدادشان تقریباً ۵٪ تنزل یافته و احیاناً در ۵ تا ۱۰ سال آینده نسبت تعداد آنان به مرز ۵۰٪ تنزل خواهد کرد.

به این ترتیب روند مزبور وضعیتی مشابه با ایالات متحده را داراست با این تفاوت که تعداد وکلا در آنجا به نسبت بیشتر می‌باشد.

۵۰ دفتر از بزرگترین دفاتر وکلا در ایالات متحده آمریکا دربرگیرنده تعداد ۳۵۰۰۰ نفر وکیل می‌باشند. تنها بزرگترین دفتر در آن کشور یعنی دفتر (Baker & McKenzie) در سال ۱۹۹۹ دارای ۲۴۷۸ نفر وکیل بوده و کوچکترین دفتر در این تقسیم‌بندی به نام (Perkins Coe) ۴۸۲ نفر وکیل را شامل می‌گردیده است.

در گروه بعدی تفاوتها آنچنان بزرگ نیستند: دفتر شماره ۱۰۱ (Sonnenschein, Nath und Rosenthal) دارای ۴۷۹ نفر وکیل است. این بخش شامل ۵۲۰۰۰ نفر وکیل می‌شود، بقیه سوسیته‌ها در طبقه‌بندی بین ۲ تا ۱۵۰ نفر وکیل، شامل تعداد ۳۵۰۰۰۰ نفر وکیل می‌شود. نمودار نشان می‌دهد:

- دفاتر با تعداد بین ۵۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر وکیل جمعاً شامل تعداد ۳۵۰۰۰ نفر وکیل



سوسیتته‌های بزرگ.

- دفاتر با تعداد بین ۱۵۰ تا ۵۰۰ نفر وکیل جمعاً شامل تعداد ۵۲۰۰۰ نفر وکیل سوسیتته‌های متوسط.

- دفاتر با تعداد بین ۲ تا ۱۵۰ نفر وکیل جمعاً شامل تعداد ۳۵۰۰۰۰ نفر وکیل سوسیتته‌های کوچک.

جمع وکلای فعال در سوسیتته‌ها در آمریکا ۴۴۰۰۰۰ نفر وکیل. همانطور که نشان داده شد حدود نیمی از تمام وکلا در سوسیتته‌ها هستند و در دفترهای یک نفره باید در سال ۲۰۰۰ حدود ۴۴۰۰۰۰ تا ۴۵۰۰۰۰ نفر از همکاران فعال باشند.

مانند مورد آلمان در ایالات متحده نیز اکثریت جمعیت وکلا در سوسیتته‌های کوچک هستند به این صورت که در این نحوه تقسیم‌بندی به هر سوسیتته‌ای ۱۰ نفر وکیل تعلق می‌گیرد یعنی بیش از سه برابر مورد آلمان، علت آن هم باید در ساختار متفاوت بازار کار وکالت در این دو کشور دانست، چنانچه در بالا نیز به آن اشاره شد.

### کار بر روی آمار

بر اساس اعداد و ارقام بالا می‌توان محاسبات آماری زیر را انجام داد و مثلاً پرسید که چند نفر وکیل به نسبت هر دفتر در آلمان و در ایالات متحده اشتغال به کار دارند؟ اگر از نقطه نظر آمار سال ۱۹۹۵ حرکت کنیم در آمریکا به رقم ۶۳۴۴۷۵ نفر وکیل در ۳۴۲۰۲۸ دفتر اعم از وکلای منفرد و سوسیتته‌ها می‌رسیم. اگر به این آمار صرفاً به صورت ریاضی برخورد کنیم حاصل فعالیت وکلا در هر دفتر عدد اعشاری ۱/۸۶ نفر می‌شود اما این حاصل ریاضی اطلاعات روشنی به دست نمی‌دهد به این صورت که عمدتاً تعداد وکلای منفرد این ارقام نسبی را بالا برده است. نتیجه بخش‌تر خواهد بود اگر بین وکلای منفرد از یک سو و دفاتر کوچک و متوسط و بزرگ از سوی دیگر تفاوت قایل بشویم. به این ترتیب برای سال ۱۹۹۵ از این آمار مقایسه‌ای برداشت می‌شود که تعداد ۴۴۳۰۴ سوسیتته با وکلایی که در آنها اشتغال داشته‌اند یعنی ۴۳۷۸۷۳ نفر معدل تعداد ۹/۸۸ نفر وکیل در هر دفتر در آمریکا وجود دارد یعنی تقریباً ۱۰ وکیل در یک

دفتر. این رقم هم نمی‌تواند زیاد گویا باشد زیرا دفاتر بزرگ و کوچک در یک کیسه ریخته شده‌اند.

هرگاه ما اعداد و ارقام داخل جدول را در آلمان مقایسه کنیم می‌بینیم که بعد از تقسیم عدد دفاتر و تعداد کل وکلا به تناسب ۱/۴۴ نفر وکیل به هر دفتر می‌رسیم که زیاد با نسبت آن در آمریکا متفاوت نیست یعنی فقط ۰/۴۴ کمتر است. در این مورد هم، مانند مورد بالا اعداد و ارقام گویای واقعیت نیست و در اینجا نیز باید ارزشهای آماری را با ساخت دفاتر وکالت انطباق داد و در این صورت به ارقام زیر در سال ۲۰۰۰ در آلمان می‌رسیم:

- دفاتر بزرگ به طور متوسط شامل ۹۰ نفر وکیل می‌باشند.

- در دفاتر متوسط به طور متوسط ۶ نفر وکیل اشتغال دارند.

- در حالی که در دفاتر کوچک فقط به طور متوسط تعداد ۲/۵ نفر وکیل فعالیت

می‌کنند.

#### ۸- بزرگترین دفاتر

مجله آمریکایی «The National Law Journal» سالانه به طور مرتب اسامی ۲۵۰ دفتر از بزرگترین دفاتر وکالت آمریکا را منتشر می‌کند. آخرین لیست معتبر منتشر شده در سال ۱۹۹۹ را می‌توان در اینترنت تحت آدرس:

<http://www.Lawnewsnetwork.com/survey/nlj250/50.html>

ملاحظه کرد.

در آلمان معتبرترین لیست شامل آخرین آمار دفاتر وکالت را می‌توان در نشریه «Wirtschaftskanzleien, Rechtsanwälte, für Unternehmen» که توسط ناشر Ju Ve دومین ناشر در کلن ۱۹۹۹/۲۰۰۰ چاپ شده است دید.

#### ۹- پیش‌بینی برای پنج سال آینده

قانون جدید اصناف و یکی شدن دو آلمان دو عامل مؤثر در وضعیت وکلا در آلمان در ۱۰ سال اخیر هستند. این عوامل باعث تغییرات جدید در دفاتر بزرگ و باعث امکان

حضور دفاتر متوسط در سطح داخلی و جهانی و دستیابی به بازارهای جدید شدند. در دو یا سه سال آینده باید ادغام‌ها و اتحادهای جدید بین دفاتر وکالت را انتظار داشت. این امر بیشتر در رابطه با دیدگاه داخلی جلوه می‌کند تا در رابطه کاری در محل. البته همه دفاتر بزرگ دارای گروه‌های کاری در محل استقرار خود هستند ولی کسانی که دست در این کار دارند می‌دانند که برای موفقیت در این امر چقدر انرژی لازم است. در صورت همکاری‌های بین‌المللی احتیاج به انرژی بسیار شدیدتر نیز ایجاد می‌شود زیرا مشکلاتی مانند مشکل تأسیس دفتر نیز به آن اضافه می‌گردد.

این عامل، مسأله رشد را بسیار کند می‌کند و فقط این مشکلات موقعی قابل حل هستند که مراجعین و موکلین قابل توجه باشند و سرمایه‌گذاری قابل قبول و دارای بازده باشد. ولی بازار اصلی در جای دیگر قرار دارد و آن در دفاتر متوسط و کوچک است، آنها بر خلاف وضع دفاتر بسیار بزرگ می‌توانند آسانتر اتحادیه‌های منطقه‌ای تشکیل بدهند. آنها مشکل زبان نخواهند داشت و اختلاف قوانین برای تشکیل دفتر شامل حال آنها نمی‌شود. آنها می‌توانند با سرعتی مشابه سرعت دفاتر بزرگ و شاید هم سریع‌تر از آنها رشد کنند.

تعداد وکلای انفرادی برعکس به طور قطع در آینده هر چند به طور بطئی کمتر خواهد شد. ما پیش‌بینی می‌کنیم که آنها در ۵ سال آینده از ۵۶٪ وکلای فعال به ۵۲٪ تنزل خواهند داشت و در مدت ده سال آینده از ۵۰٪ نیز پایین‌تر خواهند رفت. علت آن در درجه اول لزوم تخصصی شدن کار که حداقل در جهت دفاتر دسته‌جمعی سیر می‌کند و دوم درآمد سرانه وکلا و دست آخر مخارج تشکیل دفتر که وکلای منفرد با آن بیشتر دست‌گریبان خواهند بود تا دفاتر دسته‌جمعی کوچک، موجب تحقق این پیش‌بینی خواهد شد.

در آینده تعداد دفاتر دسته‌جمعی کوچک نیز به سرعت افزایش خواهد یافت. آنها با این که ۱۴۰۰۰ دستگاه هستند امروزه فقط ۱۴٪ وکلا را شامل می‌شوند ولی به زودی ارقام ۱۸٪ تا ۲۰٪ را به خود اختصاص خواهند داد و از آن حد نیز خواهند گذشت. درست همین دفاتر دسته‌جمعی کوچک با سرعتی بیش از دفاتر متوسط رشد خواهند کرد زیرا برای آنها از نظر تشکیلاتی آسانتر خواهد بود که یک یا دو نفر وکیل به

تشکیلات خود اضافه کنند. اکنون در شهرهای متوسط این رشد بعد از تعداد ۵ تا ۶ وکیل یک مرز طبیعی ایجاد نموده است و از آن پس این تشکیلات با برخورد منافع مواجه می‌شوند. هرگاه رشد از این نیز فراتر رود ممکن است که اصولاً قابل کنترل نباشد. نتیجه این که دفاتر متوسط بزرگ هرگاه به مرز گفته شده برسند به صورت دفاتر فرمانطقه‌ای در یکدیگر ادغام می‌شوند، جایی که این مشکلات دیگر وجود ندارد و از طرف دیگر در چنین شبکه‌کاری ممکن است تخصص در کار به وجود بیاید در حالی که در شهرهای کوچک برای آن بازار قابل قبولی وجود ندارد. به این شکل یعنی از طریق رشد در یک محل کوچک ورود به محدوده‌ی دفاتر متوسط بزرگ ممکن نیست. در شهرهای بزرگ از دفاتر حقوقی بزرگ افراد با استعداد گاه جدا می‌شوند زیرا با بزرگتر شدن دفاتر روابط شرکتی تجاری و سیستم کنترل آن دائماً شدیدتر می‌شود و این افراد را از خود می‌رانند. اغلب دیده می‌شود که مثلاً دو یا سه حقوقدان در رشته حقوق اداری یا مالیات و غیره با یکدیگر از دفاتر بزرگ جدا می‌شوند و دفاتر کوچکتری تأسیس می‌کنند و یا به دفاتر کوچک می‌پیوندند. بخصوص دفاتر بزرگی که با همکاران خارجی کار می‌کنند یا در آنها ادغام می‌شوند دچار چنین تغییراتی می‌شوند.

به رغم تمام این تغییرات چیزی که تغییر نمی‌کند تناسب میان محدوده‌ی گفته شده می‌باشد. اگر برای مثال نسبت دفاتر وکلای منفرد به ۴۵٪ کل تنزل بیاید همان طور که مثال آمریکا بر ما آموخت این نسبت به طور خیلی زیاد هم به هم نخواهد خورد بلکه تا اندازه‌ای ثابت باقی خواهد ماند.

در این شکی نیست که تعداد وکلای دادگستری دائماً زیادت‌ر خواهد شد، ولی کار حقوقی نیز چه در حوزه وکالت چه خارج از آن زیادت‌ر خواهد شد.

آلمان هنوز آن بازار کارهای خدماتی که در آمریکا وجود دارد را به دست نیاورده است ولی مشاوره‌ها با رشد این نوع کار زیاد خواهد شد زیرا دست‌اندرکاران کارهای خدماتی همیشه در خصوص تخمین زدن عواقب حقوقی کارشان دچار تردید هستند و از این بابت احتیاج به راهنمایی حقوقی دارند.

وکلایی که این موضوع را فهمیده باشند که خدمات مزبور در دست آنهاست یقیناً سهم خود را از این بازار کار خواهند گرفت.

مشکل کشور ما (آلمان) این است که روش تحصیلات حقوقی در حال حاضر تازه اغلب بعد از دومین امتحان دولتی (یعنی بعد از حدود ۷ سال تحصیل و سه سال کارآموزی) به همکاران جوان ما این امکان را می‌دهد که چیزی راجع به شغل آینده خود یاد بگیرند و یک دفتر پردرآمد به سختی می‌تواند به این امر عادت کند که افراد با استعداد و صاحب نمره‌های عالی در سنین بالای ۲۷ سال درآمدی مانند پروفیسورهای ده سال بزرگتر از خود داشته باشند.

به جهات گفته شده می‌توان به این نتیجه رسید در این زمینه تقاضا بیش از عرضه است ولی باید گفت رونق فقط مختص همین بخش است به طوری که بنابه ساختار بازار کار دیده می‌شود که چندین هزار جوان بعد از پایان امتحانات خود نمی‌دانند به کجا بروند و از کجا شروع کنند در حالی که فقط ۳۰۰ تا ۵۰۰ همکار جوان جذب زمینه‌های فوق می‌شوند.

اگر کار آموزش وکلا به افرادی سپرده می‌شد که ذینفع در آن هستند کار ما بسیار ساده‌تر می‌شد و می‌توانستیم وکلای قدرتمندی تربیت کنیم که این بازار مشاوره را در دست خود بگیرند. بنابراین وقتی که به آمار سال ۲۰۰۵ نگاه می‌کنیم که نوید حضور ۱۴۱۰۰۰ نفر وکیل دادگستری جدید را در آلمان می‌دهد، نباید به خود بیم راه بدهیم.

پروفسور گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی